

اخبار اجتماعی

مسئولان به مشکلات اعتراف کنند: با کاهش همبستگی اجتماعی در مواجهه با بحران روبه‌رو هستیم

یک جامعه‌شناس با اشاره به این که با کاهش همبستگی اجتماعی در مواجهه با بحران روبه‌رو هستیم، گفت: آسیب‌هایی که در حال حاضر شاهد آن هستیم، نتیجه‌ی مسئولیتی همه‌ماست.

سعید معیدفر، با اشاره به سیر فزاینده آسیب‌های اجتماعی افزود: بیست سال پیش معتقد بودم، در شرایطی هستیم که باید هر چه زودتر در مان در این زمینه را آغاز و مشکلات پیش‌رو را پیش‌بینی کنیم و در این راستا همکاری آسیب‌شناسان و صاحب‌نظران هم مطالبه کنیم. اما رئیس‌جمهورهای مختلفی آمدند و رفتند و وعده‌هایی در خصوص حل مسائل اجتماعی به مردم دادند، اما این موضوعات در دیف اولویت آن‌ها قرار نگرفت. این جامعه‌شناس و دانشیار بازنشسته گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران یادآور شد: اگر چه برای حل مشکلات در دست، اما قدم اول برای مسئولان این است که به وجود مشکلات اعتراف کنند و با مسائل و آسیب‌های جدی جامعه روبه‌رو شوند و سعی نکنند، مسائل و مشکلات را نفی کنند و بگویند این مسائل توطئه بزرگ‌مآبی و سیاه‌نمایی دشمنان است. معیدفر تأکید کرد: اگر احساس مسئولیت داشتیم، کار به این نقطه نمی‌رسید. در حال حاضر مسئولان و نهادها آن طور که باید در برابر مشکلات اقدام خاصی انجام نمی‌دهند و وظایف را بر دوش یکدیگر می‌اندازند. وی افزود: آسیب‌هایی که در حال حاضر شاهد آن هستیم، نتیجه‌ی مسئولیتی همه‌ماست، اما نکته‌ای که در این برهه حائز اهمیت است، عدم حساسیت مردم نسبت به موضوعات است. در گذشته مردم نسبت به مسائل حساسیت به خرج می‌دادند، اما در حال حاضر، مدت زیادی است، دولت‌ها این حساسیت‌ها را از مردم گرفته‌اند و به شکلی لجام‌گسیخته به خودمنتقل کرده‌اند.

احتمال فیلتر ینگ هوشمند اینستاگرام



رئیس پلیس فتای ناجا از طرح جدید وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای فیلتر ینگ هوشمند محتوای مجرمانه در اینستاگرام خبر داد. سردار سید کمال هادیان نفر درباره تغییر بستر اقدامات مجرمانه فضای مجازی پس از فیلتر شدن تلگرام گفت: هم چنان بیشتر جرائم در فضای تلگرام رخ می‌دهد، به‌طوری که طبق آخرین آمارها ۶۴ درصد جرائم در تلگرام و حدود ۳۲ درصد در اینستاگرام رخ می‌دهد. وی درباره این که آیا امکان فیلتر شدن اینستاگرام وجود دارد یا خیر، افزود: تصمیم‌گیری در این خصوص بر عهده کار گروه تعیین محتوای مجرمانه یا شورای عالی فضای مجازی است. رئیس پلیس فتای ناجا با اشاره به طرح جدید وزارت ارتباطات برای فیلتر ینگ هوشمند محتوای مجرمانه در اینستاگرام گفت: وزارت ارتباطات سرویس جدیدی را طرح کرده که اگر این سرویس جدید بیاید می‌تواند با عبور از SSL جدید اینستاگرام، فیلتر ینگ هوشمند را در اینستاگرام ارائه دهد که اگر این طرح را ارائه دهد بخشی از محتوای مجرمانه کم می‌شود.

راه حل معاون وزیر برای کنترل «خشونت» در مدارس

معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش از همکاری با انجمن اولیاء و مربیان برای آموزش کنترل خشم خبر داد و عنوان کرد: متأسفانه امروز اولین آسیبی که در مدارس با آن مواجهیم، «خشونت» است. مهرزاد حمیدی، درباره اخبار منتشر شده در ماه‌های اخیر مبنی بر تنبیه بدنی در مدارس و تعرض به معلمان و ضرب و جرح آن‌ها توسط خانواده دانش آموز در فضای رسانه‌ای افزایش خشونت‌ها اظهار کرد: از طریق سامانه «نماد» آسیب‌های اجتماعی را رصد می‌کنیم و مدیران مدارس مرتب در صد نوع آسیب‌ها را گزارش می‌دهند. وی افزود: متأسفانه امروز اولین آسیبی که در مدارس با آن مواجهیم، خشونت است. معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش بابیان این که دوره‌های آموزشی مختلفی را پیش‌بینی و مدرسی برای کنترل خشم و خودکنترلی آموزش دادیم گفت: آسیب‌هایی که در مدرسه بروز می‌یابد ریشه اجتماعی و خانوادگی دارد و وقتی به‌جاهد خانه با خشونت مواجه می‌شوند آن‌را به صورت اکتسابی فرامی‌گیرند و در مدرسه بروز می‌دهند.

همه آدم‌ها به دنبال احترام هم‌نوعان شان هستند؛ این مسئله کاملاً ذاتی است. وقتی حس می‌کنیم هیچ کس به ما احترام نمی‌گذارد، خیلی سخت است که مثبت و موفق باشیم. وقتی ما به خودمان احترام نگذاریم، طوری رفتار خواهیم کرد که با خواست و علایق مان همخوانی ندارد

خانه و پهن نشدن سفره، تبدیل شده. در اکثر خانه‌ها، کتاب پیدانی می‌شود. اما یک دستگاه ماکروفر با نشان‌های معروف حتما در آشپزخانه‌ها حضور دارد. در نمایی دیگر، زمانی هم که اهالی خانه دور هم جمع می‌شوند، کمترین گفت‌وگو بین آن‌ها رد و بدل می‌شود. حتما در مهمانی‌ها دیده‌ایم که از میان ده نفر حاضر، حتما پنج شش نفر با تلفن‌های همراه خود در حال بازی، بلوتوث کردن، ارتباط واتس‌آپی و... با یکدیگر و یا با دیگران هستند. همه کنار هم نشسته‌اند اما در واقع با تلفن‌های خود حرف می‌زنند.

از طرف دیگر به تهران نگاه کنید: بدقولی‌های تهران به دلیل معماری بی‌هویت آن است. بناهای تاریخی و فرهنگی یکی پس از دیگری تخریب و به بناهای به ظاهر مدرن اما بی‌هویت تبدیل می‌شوند. برخی مناطق آن قدر تغییر موضوع کاربری داده‌اند که واقعا شگفت‌انگیز است و نتیجه آن فشرده‌گی روحی و کشیدن آه از نهاد شهروندان است. تصور کنید که اگر روزی راسته کتاب‌فروشی‌ها کم‌به‌مرکز تجاری تبدیل شوند چه می‌شود؟

پروژه‌های شهری ما بدون در نظر گرفتن مسائل روانی و درونی انسان ایرانی، تربیت و بهداشت روح و روانش اجرا می‌شود؛ بدون آن که به نتایج انسانی آن توجهی شود. پروژه تعریض نواب‌رادر نظر بگیرید. این پروژه مصداق کامل یک فاجعه شهری و انسانی است که منجر به کوچ اجباری مردم محلات چهار راه اناری، سینا، مرتضوی، و... شد و شنیدم برخی از قدیمی‌های این محله‌ها، به نوعی افسرده شدند. علاوه بر کوچ مردم، سبک محله‌ای این منطقه اصیل کاملاً به‌هم خورد. کاش فقط تعریض خیابان صورت می‌گرفت. اما خانه‌ها را خراب کردند، محله‌ها را به هم زدند، بافت اجتماعی و عاطفی را نابود کردند و نهایتاً، ساختمان‌هایی علم کردند که روح و روان انسان را می‌فشارد؛ به زبانی رساتر، احترام به انسان و ارزش‌های ذاتی او در این معماری و شهرسازی به هیچ گرفته شده است.

احساسات و افکار واقعی خودمان را بیابان نمی‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم دیگران به ما نزدیک شوند تا مبادا به عیب و نقص‌های ما پی ببرند. واکنش سوم به «تله بی‌ارزشی» زمانی است که خود ما واکنش‌های افراطی از قبیل انتقاد و طرد دیگران را انجام می‌دهیم، به گونه‌ای که انگار خود ما هیچ گونه عیب و ایرادی نداریم و رفتاری انتقاد‌گرایانه یا برتری طلبانه نسبت به دیگران انجام می‌دهیم تا خودمان را بی‌نقص جلوه بدهیم. حتی آدم‌های خیلی مهربان هم نمی‌توانند با کسانی که علاقه و احترامی برای خود قائل نیستند همدردی کنند. در چنین شرایط درونی، روح خلاقیت نابودی می‌شود و امکان ورود به صحنه‌های جدید و نواز بین می‌رود. اعتماد به نفس زمینه بروز خلایق‌ها و ظرفیت‌های درونی را فراهم می‌کند. در برخی مواقع افراد از توانایی و استعداد بالای بر خوردارند اما جرأت، شهامت و اعتماد به نفس ندارند. فکر می‌کنند نظر آن‌ها اشتباه است و حتی از بیان آن خودداری می‌کنند.

ما ایرانی جماعت!

سبک زندگی ما، تحت تأثیر جهانی شدن و شتاب فناوری به‌طور شگفت‌انگیزی به سمت فرد گرایی می‌رود. جامعه ایرانی به عنوان یک جامعه شرقی، به‌طور سنتی، یک جامعه جمع گراست. اما این وضعیت در حال تبدیل شدن به جامعه‌ای است که هر کسی فقط مشکل خود را می‌بیند و به تدریج مسایل دیگران را فراموش می‌کند. هر چند به دلیل حضور پررنگ و قوی فرهنگ دینی و سنت‌های دیرینه ایرانی، جامعه ما رنگ جمع‌گرایی خود را تا حد زیادی حفظ کرده و طبیعی این است که با حفظ این ارزش‌ها، جامعه ما به راحتی به سمت فرد گرایی افراطی نرود؛ اما رشد آن در شرایط امروز به‌ویژه بین نسل نو، نگران‌کننده است. فرهنگ ما ایرانی‌ها، فرهنگ «چهل همسایه» است. افراد گرایی و گلیم خود را از آب کشیدن، ربطی به فرهنگ ایرانی ندارد، اما متأسفانه این اتفاق در بین ما افتاده؛ چون در جامعه‌ای هستیم که پراز تعارض است.

دکتر عباس زاده می‌گوید بنا ندارم بحث را بفرنج و پیچیده کنم. به رفتارهای داخل خانه توجه کنید. در شهرهای بزرگ، هر کسی به آپارتمان وارد می‌شود، بلافاصله به اتاق شخصی خود می‌رود و در آن‌را بر روی دیگران می‌پنند و حریم بسیار خصوصی برای خود ایجاد می‌کند. متأسفانه کمتر سفره غذا پهن می‌شود. هر کسی هر ساعت بخواهد غذا می‌خورد. آنانی هم که غذای مادرشان را میل می‌کنند، به کمک ماکروفر آن‌را گرم می‌کنند؛ اگر به نقش همین ماکروفر فکر کنیم، خواهیم دید که این دستگاه‌ها به مخرب‌ترین دستگاه برای واگرایی اهالی

گرم‌اند و گاهی خیلی سرد! این ادعا که «خاکی» اند، و برای همین نه تکلیف خودشان با «خود» شان روشن است و نه تکلیف دیگران با آن‌ها. برای همین این افراد قابل اعتماد نیستند و نمی‌شود روی‌شان حسابی باز کرد و از آن‌ها انتظار داشت. راز «حترام به خود» همین است؛ فردی که برای خودش احترام قائل است، می‌تواند در مشارکت‌های اجتماعی و در فعالیت‌های سیاسی موثر واقع شود. نتیجه طبیعی احترام به خود، «اعتماد به نفس» است.

جلب احترام دیگران در سایه احترام به خود

عباس زاده چنین ادامه می‌دهد: به اعتقاد من، احترام به خود، درک وقار و ارزش ذاتی خود است. خیلی مهم است بدانیم وقتی به خودمان احترام بگذاریم، متوجه می‌شویم که به دست آوردن احترام دیگران آسان‌تر می‌شود و در موقعیت‌هایی‌شان و منزلت ما را حفظ خواهد کرد. درست است که همه انسان‌ها محترم به دنیا آمده‌اند اما کسانی هستند که از این قاعده مستثنی هستند و احترام بیشتری را به خود جلب می‌کنند. دلیل آن می‌تواند موفقیت‌های آن‌ها، توانایی‌های ذاتی، زیبایی و یا قهرمان بودن شان باشد. برای این که احترام دیگران را جلب کنیم لازم نیست در دنیا معروف و مشهور باشیم. در محافل کوچک‌تر هم کسانی هستند که دیگران برای آن‌ها احترام و بیژهای قائلند و این در محدوده قدرت ماست که به یکی از این افراد تبدیل شویم. همه آدم‌ها به دنبال احترام کاملاً ذاتی هستند؛ این مسئله هیچ کس به‌ما احترام نمی‌گذارد، خیلی سخت است که مثبت و موفق باشیم. وقتی ما به خودمان احترام نگذاریم، طوری رفتار خواهیم کرد که با خواست و علایق مان همخوانی ندارد.

افرادی که احساس بی‌ارزشی می‌کنند، برای مقابله با این مشکل دست به دامن شیوه‌های متفاوتی می‌شوند. برخی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند، یعنی تسلیم اوضاع پیش آمده می‌شوند. برخی ظاهری طبیعی و موجه دارند و به نوعی از این مسئله فرار می‌کنند و بر برخی رفتار می‌کنند که انگار اصلاً دچار احساس بی‌ارزشی نیستند و ظاهری بسیار عالی، قوی و آسیب‌ناپذیر دارند. البته باید حواس مان باشد انتخاب روش‌های مواجهه با مسائل به‌صورت ناخودآگاه است و فرد از انتخاب آن آگاهی ندارد. مثلاً وقتی که ما تسلیم «تله بی‌ارزشی» می‌شویم، دوستان انتقادگر و طردکننده انتخاب می‌کنیم، خودمان را تحقیر می‌کنیم و در موقعیت‌هایی که زیر دست و فرمانبر باشیم قرار می‌گیریم. اما اگر بخواهیم از تله ناخوشایندی‌های ارزشی اجتناب کنیم، شاید عجیب به نظر برسد؛ اما واقعیت این است که کسی که خوب می‌خورد و مواظب رژیم غذایی خود است، خوب می‌پوشد و مراقب تناسب‌رنگ‌هایی که انتخاب می‌کند هست، کسی که مراقب وسایل خودش هست، کسی که از چراغ قرمز عبور نمی‌کند و منتظر می‌ماند بی‌آن که غر بزند، کسی که نوشتن را می‌پذیرد در جایی که باید در نوبت بماند و به‌صورتانه انتظار می‌کشد این فرد کسی است که به خودش احترام می‌گذارد و کسی که به خود احترام می‌گذارد، در پیرامون خود، فضایی از اعتماد و امنیت ایجاد می‌کند. اغلب مردم به چنین افرادی با دیده احترام و تحسین نگاه می‌کنند، به آن‌ها با احساس امنیت و اعتماد نزدیک می‌شوند و می‌دانند که با چنین فردی چند چند هستند؛ تکلیف‌شان روشن است که با این آدم تا کجا می‌شود جلو رفت و از کجا به بعد باید دست نگه داشت. اما افرادی هم هستند که دقیقاً برعکس اند؛ به‌خورد و هوشاک خود را اهمیت نمی‌دهند، کلاً به همه چیز بی‌اعتنا هستند. گاهی خیلی

«احترام به خود» تقریباً در بین افراد جامعه فراموش شده است

در «تله بی‌ارزشی» افتاده‌ایم!

مسئله «احترام به خود» و «خودارزش‌انگاری» تقریباً، موردی فراموش شده در بین افراد جامعه ماست. در جامعه‌ای که مردم به راحتی به هم «فحش» و ناسزا می‌گویند و بر سر کوچک‌ترین مسئله، تمام وجود همدیگر و خانواده‌های‌شان را به فضاحت می‌کشند، مشخص است که اتفاقات ناهنجار روانی و فرهنگی رخ داده است. جامعه زیستی ما درست نقطه مقابل جوامعی است که لبخند زدن به کسی که از روبه‌رو می‌آید نشان احترام به خود و رعایت کردن نوعی آداب اجتماعی است.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

در جامعه‌ای که مردم به راحتی به هم «فحش» و ناسزا می‌گویند و بر سر کوچک‌ترین مسئله، تمام وجود همدیگر و خانواده‌های‌شان را به فضاحت می‌کشند، مشخص است که اتفاقات ناهنجار روانی و فرهنگی رخ داده است. جامعه زیستی ما درست نقطه مقابل جوامعی است که لبخند زدن به کسی که از روبه‌رو می‌آید نشان احترام به خود و رعایت کردن نوعی آداب اجتماعی است. تصور ش را بکنید اگر یکی از ما، زن یا مرد، به زن یا مردی که از روبه‌رو می‌آید، لبخند بزنیم باید چه مکافاتی را متحمل شویم!

به خودمان احترام نمی‌گذاریم

احترام به خود، درک وقار و ارزش ذاتی «خود» است. احترام گذاشتن به خود، به داشتن هیچ توانایی یا رسیدن به هیچ موفقیتی بستگی ندارد؛ هر انسانی در این کره خاکی محترم به دنیا آمده است. اما در عمل این احترام همیشه به همه افراد داده نمی‌شود؛ خیلی مهم است بدانیم برای «حترام به خود» نیاز به رسیدن به هیچ ایده‌آل خاصی نیست، دکتر محمد عباس زاده جامعه‌شناس، در ادامه چنین می‌گوید: ما باید در ارتباط‌های خانوادگی و اجتماعی مان، مرزهایی سالم تعیین کنیم. به خودمان اجازه ندهیم از احساس دیگران نسبت به خودمان سوءاستفاده کرده یا میزان احترام به خودمان را بر مبنای آن پایه‌گذاری کنیم.

ما باید از خودمان خوب مراقبت کنیم؛ هم در خوراک، هم در پوشاک، هم در رفتار متقابل با دیگران و هم در رابطه با رفتار دیگران نسبت به خودمان.

خودکشی؛ پریشانی و آشفتگی احوال



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

بگیرد. در رابطه با مساله خودکشی می‌دانیم حکومت، جامعه، خانواده، مسائل معیشتی، سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی همه و همه عوامل مهمی هستند که در بروز این بحران اجتماعی-فرهنگی نقش و تأثیر شگرفی دارند. بر این اساس روانشناسان با توجه به آمار و گزارش‌های بدست آمده از پزشکی قانونی کشور بر این باورند، شرایط کشور به لحاظ وضعیت «اقدام به خودکشی» در موقعیت حساسی به‌سر می‌برد؛ گویی که ایران با بحران خودکشی مواجه شده است. مساله حائز اهمیت میانگین رنج سنی افرادی است که اقدام به خودکشی می‌کنند؛ بنابر اطلاعات گزارش شده میزان مرگومیر ناشی از خودکشی در ده‌سنی نوجوانان و جوانان به شدت فزونی یافته است. در همین راستا روانشناسان

اظهار می‌دارند زندگی در دنیای مدرن بدلیل پیچیدگی‌ها و مشکلات خاص خود گاهی اوقات فشارهایی را بر فرد وارد می‌سازد که وی را ر تنهار از چاره برای خاتمه دادن مشکلات زندگی خویش تلقی می‌کند. چنین شخصی بیشتر می‌خواهد از رنجی که گرفتار آن شده، رهایی یابد و ممکن است واقعا قصد خودکشی هم در کار نباشد؛ اما شرایط زندگی او را به سمت وسویی می‌کشاند که در چنین موقعیتی خودکشی را تنهار راه نجات از فلاکت زندگی تصور می‌کند.

به عبارتی از یک سو فرد احساس می‌کند نمی‌تواند برای زندگانی خویش معنا و هدفی پیدا کند و از سویی دیگر به علت چیرگی و فشار بیش از حد ناامیدی، ضعف و ناتوانی در فراهم آوردن زندگی بهتر، اقدام به خودکشی را راه حل مناسبی

برای خلاصی از مشکلاتش در نظر می‌گیرد. روانشناسان بر اساس تحقیقات پژوهش‌های انجام شده بر این باورند همه افراد در طول زندگی کمابیش با مشکلات عدیدهای روبرو می‌شوند که اعتماد به نفس آنها را اشیداد تحت تأثیر قرار می‌دهد و احساساتی همچون بی‌ارزش بودن و دوست‌داشتنی نبودن را در آنها به‌راه می‌اندازد؛ در اینصورت هر شخصی با توجه به ظرفیت‌های ساختار هیجانی منحصر به فرد خویش به گونه‌ای متفاوت به چنین شرایطی پاسخ می‌دهد؛ در این میان بعضی از افراد نیز هستند که تحمل مشکلات و نامالایمات زندگی برایشان بسیار صعب‌قلمداد می‌شود که برای رهایی از این وضعیت، خطر اقدام به خودکشی را به عنوان ساده‌ترین راه حل به جان می‌خرند.

از اینرو روانشناسان خاطر نشان می‌کنند در برای تشخیص اینکه آیا واقعا فردی قصد خودکشی دارد یا خیر، فقط کافی است موقعیت بحرانی بوجود آمده را از زاویه دید او بنگرید و ارزشیابی

کنید؛ زیرا ممکن است موضوعی که از نظر شما کم اهمیت تلقی می‌شود به نظر شخص دیگری بسیار مهم و خطرناک جلوه نماید. از این‌رو در چنین افرادی نشانه‌ها و علائمی همچون تغییرات ناگهانی و شدید خلق و خو، احساس افسردگی و پوچی، ابراز درماندگی، تنهایی و ناامیدی شدید می‌تواند زنگ خطری جدی تلقی شود. بنابر این پیرو مطالب ذکر شده تاکید می‌شود که در برخورد با کسی که قصد خودکشی دارد و یا اینکه یکبار اقدامی ناموفق در این زمینه داشته جانب احتیاط را ب‌دقت رعایت کنید و فقط با تمام وجود به حرف‌ها و درودل‌های او گوش فراد دهید و ضمن درک وی، حمایت‌های عاطفی و معنوی خویش را به او ابراز نمایید. البته باید به یاد داشته باشید که چنین فردی در موقعیت بحران عاطفی قرار دارد و نمی‌تواند در سست و منطقی تعقل کند، از این‌رو وی را تشویق و ترغیب نمایید که حتماً برای حل مسائل روانشناختی خویش از مساعدت‌های متخصصین روانشناس بهره‌مند شود.

پوچی، ناامیدی، بیکاری، احساس شکست، بحران‌های عاطفی، افسردگی، احساس گناه، نامساعد بودن شرایط زندگی خانوادگی، شکنجه‌های روحی و روانی موجود در خانواده، ازدواج اجباری، نرسیدن به عشق زندگی، فقر، حادثه‌های ناگوار، مشکلات و مسائل اقتصادی و غیره و غیره همگی این‌ها دلایل محکمه‌پسندی محسوب می‌شوند تا فرد تصمیمش را قطعی کند و یک مشت قرص رنگارنگ به امید رهایی از زندگی فعلی مصرف نماید. در واقع چنین شخصی با خوردن قرص و پایان بخشیدن حیات خویش به طرز عجیبی می‌خواهد از دنیای اطرافش انتقام